فهرست

[اصول/ تعدیه حکم 2](#_Toc84848136)

[عوامل تعدیه حکم 2](#_Toc84848137)

[عامل نهم؛ استکشاف نظامات 2](#_Toc84848138)

[خلاصه مطالب روز قبل 2](#_Toc84848139)

[مطلب اول 2](#_Toc84848140)

[مطلب دوم 2](#_Toc84848141)

[مطلب سوم؛ قاعده تجویزی در احکام اسلام 4](#_Toc84848142)

[مطلب چهارم؛ جایگاه مصالح و مفاسد در احکام اسلام 5](#_Toc84848143)

[مطلب پنجم؛ نظاموارگی در قوانین اسلام 5](#_Toc84848144)

[راههای کشف قواعد حاکم بر گزاره‌های فقهی 9](#_Toc84848145)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ تعدیه حکم

# عوامل تعدیه حکم

## عامل نهم: استکشاف نظامات

# خلاصه مطالب روز قبل

فصل نهم در نهمین عامل از عوامل تعدیه و تسریه احکام بود و آن عبارت بود از استکشاف نظام در احکام فقهی

## مطلب اول

دیروز گفته شد نکته و مبحث اول در اینجا تبیین و توضیح و تشریح مسئله بود که می‌تواند این استکشاف نظام یکی از عوامل و قواعد تعمیم و تسریه حکم و احیاناً تضییق احکام به شمار بیاید

این یک بحث بود که دیروز به آن اشاره شد

## مطلب دوم

بحث دومی که به آن دیروز اشاره شد این بود که با چینش تک گزاره‌های فقهی در یک منظومه می‌توان به یک قواعد و ضوابط پنهان پشت سر این‌ها پی برد. در یک فضا و منظومه احکام اقتصادی یا تربیتی یا اجتماعی یا عبادی و هر عنوان و موضوعی می‌توان مفردات و احکام متفرقه را جمع کرد و در کنار هم قرار داد و نظمی به آنها بخشید و از ظاهر آن عبور کرد به انسجام قوی‌تری پی برد و آن انسجام هم نتیجه که می‌دهد این است که پشت آن یک قواعد عامه‌ای است که این‌ها را به شکل یک نخ تسبیح به هم وصل کرده است، این نظام سازی است

و گفته شد که مرحوم شهید صدر این را قاعده‌مندتر کردند و تبیین و تحلیل بیشتری از آن ارائه دادند گرچه اصل این نوع تحقیق و پژوهش و کنجکاوی و عمق‌یابی سابقه دارد در سنت علمی ما و در عصر ما هم خیلی‌ها این نوع تحقیق و پژوهش‌ها را دارند اما در کلام مرحوم شهید صدر این‌ها از یک انسجام و وضوح و شفافیت بیشتری برخوردار شده است.

خیلی وقت‌ها حتی اگر کسی این جواهر را دقت بکند خیلی جاها صاحب جواهر می‌گوید که این را کنار هم بگذاریم و ببینیم شرع پس این را قبول دارد در واقع از کنار هم چیدن یک قواعدی احکامی می‌گوید که شرع مذاقش این است همان مذاقی که می‌گفتیم خیلی جاها با این نزدیک می‌شود اصلاً مذاق را خیلی جاها از کنار هم چیدن این گزاره‌ها به دست می‌آوردیم خود کتاب هم به این اشاره کرده بود و حال ما مستقل آوردیم چون یک جایگاه ویژه‌ای امروز دارد و بعد نسبت آن را با مذاق خواهیم گفت.

یکی از راه‌های کشف مقاصد کشف مذاق‌ها همین نظامات است نظام سازی است این‌ها را کنار هم می‌چینید شما یک نظامی یک پشت صحنه‌ای به دستتان می‌آید

بنابراین مقصود از نظام سازی این شد که چینش احکامی در یک زمینه و قلمرو به منظور دست‌یابی به آن انسجام و نظام‌وارگی آن مجموعه و رسیدن به قواعد کلی که پشتوانه این متفرقات است. این بحث نظام سازی است

سؤال: شهید صدر عملاً کار را انجام داده است یعنی بحث اصولی انجام نداده بود

جواب: خُب بله اینکه حالا حجیت آن ... این همان خلائی است که در کتاب اقتصادنا نیست که چه جوری این را حجت قرار می‌دهیم مخصوصاً آنجا که می‌آید فتاوای افراد متعدد را کنار هم می‌چیند می‌خواهد بگوید اسلام نظام دارد اینکه حجیتش چیست و فواید آن چیست را خیلی ایشان بحث نکرده است.

(ما یک وقتی به گفتیم به بعضی از شاگردان ایشان هم برخورد این بود که در یک سخنرانی عمومی‌ گفتیم که بسیاری از نظریات ناب و مهم مرحوم شهید صدر با خود ایشان دفن شد و شاگردانشان هم آن را ادامه ندادند مثلاً در این بحث‌ها شاگردان برجسته‌شان هم انسان نمی‌بیند که خیلی پیش رفته باشند در این زمینه؛ مثلاً آقای سید محمود، آقای سید کاظم و دیگران که چهره‌های برجسته شاگردان ایشان هستند ولی چیز خاصی در این‌ها اضافه کرده باشند و پرونده بحث را غنی‌تر کرده باشند دیده نمی‌شود یا ما اطلاع نداریم و به نظرم دیده نمی‌شود البته آقای سید کاظم یک چیزهایی راجع به این ظاهراً پراکنده جایی گفتند ولی معمولشان خیلی به این نپرداخته‌اند.)

این مقالاتی که حالا دوستان فرستاده‌اند یک مقداری ایشان و یک مقداری ایشان و من هم یک تورقی کردم یک بخشی از آنها یک توجهی در این مقالات به این بحث شده ولی الآن اینجا نیست که عمقی پیدا کرده باشد. بیشتر جمع‌آوری است منتها طرح سؤال شده است

ما در مقدمات اجتهاد یک وقتی یک دو جلسه به این پرداختیم در آن سی چهل مقدمه اجتهاد به این کم‌وبیش پرداختیم نمی‌دانم در این کتابی که چاپ شده است آمده است یا نیامده اگر آقایان بخواهند ببینند آن کتاب اجتهاد و تقلید جلد اول که مقدمات اجتهاد را بررسی می‌کند که حدود چهل مقدمه یا سی مقدمه آنجا بررسی کردیم یکی از آن اشاره‌ای و پردازش اجمالی به مقوله نظام سازی است

درهرصورت طرح نظام سازی و الگوی آن و تحلیل و ارائه نمونه و پیاده‌سازی در حوزه اقتصاد در اقتصادنا انجام شده است اما سؤالات بی‌پاسخی وجود دارد که آنجا به آن پاسخ داده نشده است از جمله فواید و نتایج این بحث است و اینکه ما از طریق این می‌توانیم به حجیتی برسیم یا به فواید دیگری برسیم این‌ها چیزی است که بحث نشده است. این هم مطلب دوم.

# مطلب سوم: قاعده تجویزی در احکام اسلام

مطلب سوم که دیروز ذیل مطلب دوم گفتیم حالا جدا می‌کنیم این است که –مفصل هم توضیح دادیم و آن این بود که – این تبویب و تنظیم و طبقه‌بندی احکام در یک قلمرو ممکن است ما را به یک قواعد عامه تجویزی برساند که آن را طبق تعریف شهید صدر مذهب می‌گویند و ممکن است ما را به یک قواعد توصیفی برساند و ممکن است یک مرحله‌ای باشد و ممکن است چند مرحله‌ای باشد ابتدا این گزاره‌ها مثل دانه‌های یک تسبیح کنار هم چیده می‌شود آن نخ کشف می‌شود به عنوان یک قاعده تجویزی، آن قاعده تجویزی خود مبتنی است بر یک قاعده روان‌شناختی، فلسفی، می‌شود مستقیم و غیرمستقیم ما را به یک قواعد توصیفی برساند.

و از جهت دیگر این قواعد توصیفی ممکن است ساختش فلسفی باشد در حوزه جهان، هستی، انسان، طبیعت و امثال این‌ها و یا نه ممکن است ساخت آن ساخت علمی باشد یعنی گزاره‌ای است که علی‌الاصول می‌تواند به آزمایش گذاشته بشود حالت علمی دارد ساینس است یعنی یک گزاره روان‌شناختی، یک گزاره جامعه‌شناختی، یک گزاره سیاسی به مفهوم علم و ساینس، می‌تواند ما را به آن برساند.

این هم مطلب سوم است که دیروز توضیح دادیم و گفتیم ظواهر کلمات شهید صدر این است که ما اولاً در اینجا می‌توانیم عبور کنیم به سمت قواعد تجویزی عام به عنوان مذهب اقتصادی یا سیاسی یا اجتماعی و کار به چیزهای علمی ندارد

ما گفتیم هم می‌شود به این قواعد دست پیدا کرد قواعد تجویزی که مذهب و مکتب نامیده می‌شود و هم می‌شود به قواعد پایه‌ای‌تر توصیفی دست یافت که می‌شود فلسفه این‌ها، اگر مسائل انتزاعی و فلسفی باشد و هم می‌شود به یک قواعد علمی دست یافت که می‌شود هماوردی می‌کند با قوانین علمی که در علوم کشف می‌شود

حالا هماوردی که می‌کند نسبت آن باید دیده بشود ممکن است هماهنگ بشود با آن که علم می‌گوید ممکن است ناهماهنگ بشود این نسبت سنجی قواعد دارد

سؤال: ارتباطش با فقه چیست؟

جواب: ارتباط با فقه ندارد ما می‌گوییم این نظام سازی ماوراء فقه هم تأثیر دارد، ماوراء مذهب هم تأثیر دارد و لذا وقتی می‌خواهد فلسفه‌های مضاف را بچینید و بررسی کنید یکی از روش‌های شما برای دست یافتن به قواعد فلسفی یا علم انسانی که می‌خواهید بنا بگذارید این مسیر است

بنابراین این نظام سازی هم در ساخت مکتب و هم مذهب اسلام در یک محدوده‌ای می‌تواند کمک بکند و قواعد عامه تجویزی بدهد هم می‌تواند شما را در ساخت فلسفه مضاف یک دانش و یک قلمرو کمک بدهد و سوم اینکه می‌تواند حتی کمک بدهد در ساختار علم اسلامی علم انسانی اسلامی هر سه کارکرد را دارد.

این هم مطلب سومی است که می‌شود در این چینش جدید مطرح کرد.

# مطلب چهارم: جایگاه مصالح و مفاسد در احکام اسلام

مطلب چهارم این است که بحث‌هایی در گرفته است که اسلام نظام دارد یا ندارد یا فقه نظام داریم یا نداریم حالا ما کاری به فقه نظام ندارم در مطلب چهارم این را می‌خواهم بگویم که اصل این تلاش علمی برای کشف نظامات حاکم بر احکام این قطعاً یک مطلب درستی است برای اینکه فرض ما این است که احکام تابع مصالح و مفاسد است و فرض ما این است که احکام شریعت که تابع مصالح و مفاسد هستند از یک در واقع دچار تعارض و ناهماهنگی نیست یعنی عالَم، عالَم منسجمی است همین که ما می‌گوییم این احکام ناظر به مصالح و مفاسد است مصالح و مفاسد موجود در متن عالم و حقیقت عالم یک مصالح و مفاسد منسجمی است و از این جهت ما احکام متفرقه باید وقتی که در یک قلمرو قرار می‌گیرد باید از یک انسجام درونی برخوردار باشند این هم یک مطلب.

# مطلب پنجم: نظام­وارگی در قوانین اسلام

مطلب دیگر این است که انسجام هم به این حاصل می‌شود که نخ تسبیح وجود داشته باشد اصلاً شما جایی انسجام و نظام‌وارگی دارید که چیزهای متفرق به یک جا برگردد زیر پوشش یک قواعد حاکم و مسیطری قرار بگیرد

به تعبیر شهید صدر یکی اگر قانون مدنی می‌نویسد یک متفرقاتی دارد یک بابی را کنار هم قرار می‌دهد جدا، جدا، اما یک‌بار این است که یکی یک طرح می‌نویسد نظام خانواده در آن طرح می‌گوید هدف ما از تشکیل کانون خانواده این است سیاست‌های ما این است از یک قواعد عامه حاکم شروع می‌کند و بعد به یک آیین‌نامه می‌رسد می‌گوید این اینجا این کار را بکند آنجا آن کار را بکند

احکام ما، آیین‌نامه‌ها و قوانین متفرقه‌ای است که دست ما هست اینجا یک‌بار است که یکی می‌گوید این قوانین هیچ ربطی به هم ندارند و یک مقصد واحدی و منسجمی بر این‌ها حاکم نیست یا اینکه نه ما می‌گوییم این قوانین در یک قلمرو مثلاً خانواده، تربیت، اقتصاد این‌ها علی‌رغم تفرق و تعدد و تشتت دارای یک به‌هم‌پیوستگی و انسجام است و انسجام هم مبتنی است بر وجود یک قواعد و ضوابطی که این‌ها را در یک منظومه قرار می‌دهد و تحت آن قاعده قرار می‌گیرند.

سؤال: قواعد یا اهداف مثلاً؟

جواب: این‌ها که ما گفتیم از تجویزهای عام تا اهداف، همه این‌ها را می‌گیرد.

یعنی من می‌خواهم بگویم الآن که شما یک طرح می‌نویسید و کار به دین هم نداشته باشید کسی می‌گوید من می‌خواهم خانواده را در جامعه تکلیفش را مشخص کنم طرح شروع می‌کند از یک بحث‌های فلسفی کلی شروع می‌کند که اصلاً انسان چیست؟ بعد می‌رسد به اهداف انسان بعد از آن عبور می‌کند می‌رسد به خانواده، اهداف خانواده بعد بر اساس همان اهداف می‌گوید این سیاست‌ها باید باشد بر اساس آن اهداف ملاحظات جانبی دیگر، می‌گوید این سیاست‌ها باشد بعد هم می‌گوید شکل خانواده این‌طور است این هم قوانین و آیین‌نامه‌هایش است.

یعنی دقیقاً ما نشسته‌ایم و چشم‌انداز نوشته‌ایم بر اساس آن چشم‌انداز راهبردها و نظامات را طراحی کردیم بعد خرده نظام‌ها، همه در یک نظم منطقی قرار گرفته‌اند از یک کلیاتی شروع شده که حالت فلسفی و تحلیلی و توصیفی دارد و آرام، آرام به تجویزها می‌رسد و تجویزهای کلی که حاکم است و مسیطر است و آن هم خرد می‌شود به تجویزهای ریزتر که در حد آیین‌نامه و دستورالعمل می‌آید.

یعنی از قانون اساسی شروع می‌شود و می‌آید در یک بخش‌نامه‌ای که در یک وزارت خانه است. این منظومه یک انسجام دارد.

حالا از قانون اساسی شروع نمی‌شود قبل از قانون اساسی در واقع یک تفکر فلسفی، دینی یک چیز دیگری است حالا در قانون اساسی ما در مقدمه‌اش این‌ها آمده است

بعد می‌آید قواعد عامه‌ای که تجویزی است و این همان مذهب است که در قانون اساسی است آن که در مقدمه می‌آید همان چیزهای فلسفی و مبانی توصیفی است آنکه در متن قانون اساسی می‌آید مذهب است، قواعد حاکم بر ...

می‌گوید اقتصاد جمهوری اسلامی بر سه پایه اقتصاد تعاملی، دولتی و خصوصی استوار است این همان مذهب اقتصادی جمهوری اسلامی است

بعد می‌آید قوانین دیگر که وجود دارد که این‌ها با هم یک انسجامی دارند حالا یا مصرح یا غیر مصرح.

اگر ما قانون اساسی نداشته باشید و منظومه از قوانین در دستتان باشد یک کسی، یک محققی می‌تواند بیاید بگوید من این قوانین را بررسی کردم می‌رسم به این اصولی که احیاناً در قانون اساسی آمده است واقعاً قانون مدنی ما که 110 سال قبل نوشته شده است کسی تحلیل بکند از همان می‌تواند برسد به خیلی از چیزهایی که در این قانون اساسی بعد نوشته شده است یعنی این‌ها همان علمایی که آن را نوشته‌اند در ارتکازشان چیزهایی بوده است که در جمهوری اسلامی مصرح شده است در قانون اساسی.

سخن من این است که این نظام‌وارگی در قوانین اسلام وجود دارد این‌جور نیست که ازهم‌گسیخته باشد از همان توحید هم شروع می‌شود و در جهان‌شناسی و انسان‌شناسی تا می‌رسد به مذهب اقتصادی، تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و بعد هم می‌رسد به این قوانینی که در فقه ما وجود دارد

این هم بر اساس این است که مصالح و مفاسد حاکم است و مصالح و مفاسد هم ذاتاً یک انسجام دارد دست ما نیست این واقعیت‌هایی در عالم است که انسان این‌طور است جهان این‌طور است مسیر رشد انسان مسیر تعیین‌شده‌ای است در عالم نفس الامری دارد شریعت از این‌ها پرده برمی‌دارد شریعت هیچ هم نگفته بود و یک کسی دانش فرا طبیعی داشت و می‌توانست به همه مصالح و مفاسد احاطه پیدا بکند می‌فهمید دنیاست، آخرت است، انسان است مسیر رشدش این است بایدهای کلی دارد و این بایدهای کلی بایدهای ریزتری را پوشش می‌دهد می‌رسد به اینکه صبح باید دو رکعت نماز بخواند، عقد که می‌خواند پای التزام خودش بایستند و همین‌جور

کل فقه ما یک نظام است کل فقه و همه خرده نظام‌ها یک نظام است که آن هم یک قواعد عامه دارد مذهب کلان اسلام است از عبادات و معاملات و این‌ها

در این نظام کلان آن وقت خرده نظام‌ها هست، خرده نظام‌ها حالت هرمی دارد، هر خرده نظامی مثلاً خرده نظام عبادی، ابواب عبادات مستحب و واجب و مناسک و زیارات و ... همه در این نظام عبادی اسلام قرار می‌گیرند همه انسجام دارند چهارتا قاعده کلی هم بر آن حکام است و آن هم ذیل قواعد انسان‌شناسی و هستی‌شناسی است

در این نظام جامع عبادی اسلام باز خود نماز یک نظام دارد منظومه دو هزار حکم نماز بر اساس یک قواعدی تنظیم شده است همه این‌ها واقعیت‌های نفس الامری است و از این جهت است که می‌شود سیر لِمّی و إِنّی هر دو جور داشت

اگر کسی این قواعد را کنار هم بچیند می‌تواند به یک قواعد بالاتری دست رسی پیدا بکند که روح این قواعد است

اگر کسی دقیق باشد آن قواعد بالاتر را ببیند و محیط بر آن پشت پرده‌ها باشد از همان‌ها می‌تواند بیاید برسد که نماز صبح دو رکعت است و برای خدا و معصوم در واقع آن نقشه روشن است و در آن نقشه می‌تواند این نظام‌وارگی را شهود بکند و حس بکند

این یک واقعیت نفس الامری است وجود دارد و برهانش هم همراه خودش است اسلام یک قواعد متفرقه‌ای را نگفته است حتی آنجا که نگفته و مباح است باز یک حسابی دارد. مباح و واجب و حرام در یک زمینه کنار هم قرار می‌گیرد و یک منطقی را نشان می‌دهد این دلیلش این است که در واقع ابتنای احکام بر مصالح و مفاسد است. این یک مقدمه

مقدمه دوم این است که مصالح و مفاسد در عالم انسجام دارد و نظام‌واره است **﴿مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ﴾**[[1]](#footnote-1)تهافت و ناهماهنگی نیست و انسجام وجود دارد این قوانین هم که مبتنی است بر یک واقعیتی که آن واقعیت منسجم است.

این برهانی است و غیر برهانی، واقعیتش این است که وقتی انسان می‌چرخد در این‌ها می‌بیند چیزهایی که در نماز و روزه و ... گفته شده است همه یک منطق واحدی را دنبال می‌کند

فعلاً می‌خواهیم بگوییم این نظام‌وارگی که از یک رأس هرمی شروع می‌شود در اهداف می‌آید وجود دارد و در واقع در نظام سازی می‌خواهیم بخش‌هایی از پشت‌صحنه‌های این احکام را کشف کنیم حالا این چقدر می‌توانیم و اگر می‌توانیم چقدر ارزش دارد و چه اندازه حجیت دارد این‌ها مراحلی است که بعد باید به آن بپردازیم.

سؤال: در نظام‌واره اقتصاد حرکت لمی از بالا به پایین اولاً این برهان کلامی است بیشتر، جزو بدیهیات است مفروضه می‌گیریم وارد بحث می‌شویم دعوای اصلی حرکت إنّی است از پایین به بالا.

جواب: بله همین‌طور است می‌خواهیم از اینجا به آنجا برسیم آن طرف هم البته -در این نظام سازی نیامده است بعد خواهیم گفت- مطلب دارد و قابل چیز هست همان مقاصد و ... که می‌گفتیم بخشی از آن از همین قبیل است گفتیم مقاصد و مذاق و ... این‌طور نیست که از پایین به دست بیاوریم گاهی یک برهان عقلی یا چیز دیگری داریم که می‌گوید شرع حتماً باید این را داشته باشد

سؤال: غرب هم از بالا شروع کرده است مثلاً قدرت را به لحاظ فلسفی تبیین کرده است بعد قوانین آن را نوشته است حرکت غرب را که آدم نگاه می‌کند می‌بیند هلال فلسفی که این کار را کرده است اصلاً حرکتش از آن طرف بوده است ما می‌خواهیم از تک گزاره‌ها به مجموعه گزاره‌ها و نظام‌ها برسیم

جواب: این‌ها را باید بحث کنیم قران در واقع حرکت نزول قران و بعد روایات حرکت شکل آن‌هاست پیغمبر پایه‌های اعتقادی را ریخت و آمد تا به احکام رسید منتها چطور ابتنای در اینجا آن وضوح آن شکلی ندارد که آن سیر انسانی ملموس بوده و می‌شد همه جوانبش را دید اینجا یک مقدار چیزهای نهان‌تری دارد.

این هم مطلب چهارم.

# راه­های کشف قواعد حاکم بر گزاره‌های فقهی

مطلب پنجم که اینجا خوب است توجه بشود این است که کشف این قواعد حاکم و مسیطره بر این گزاره‌های فقهی متفرق، از چند راه می‌شود

یک راه این برهان إنی که می‌گوییم و شهید صدر هم روی این تأکید دارد یعنی از طریق کنار هم چیدن دانه‌های تسبیح می‌رسد به یک نکته محوری این یک راه است که فی‌الجمله درست است ضوابط و شرایط و حجیت آن بعد بحث می‌کنیم.

یک راه دیگر هم این است که ما همان‌طور که گفته شد برای کشف آن نظام و مذهب و قواعد حاکم، تلفیقی از این سیر پایین به بالا و کمک‌گیری از برخی از آن قواعد یا تصریحات شرعی داشته باشیم یک حالت تلفیقی یک چیز رایجی است

یک نوع هم این است که بخواهیم از این قواعد عامه در واقع به این مسائل ریز برسیم

این نوع سوم در شرع دشوار است که بگوییم که یک قاعده فلسفی داشته باشیم که از دل آن بخواهیم قواعد فقهی در بیاوریم

منتفی نیست ولی می‌شود

اما آن که ما خیلی وقت‌ها داریم و خود شهید صدر هم یک جاهایی دارد که مفهوم خلیفه را در بحث آورده است خیلی جاها این‌طور است که ما وقتی می‌خواهیم نظام را استخراج بکنیم حالت إنی محض یا لمی محض نیست یک رفت و برگشتی بین این احکام کنار هم چیده شده و مفاهیمی است که در متون دینی آمده است می‌گوید این احکام به اضافه اینکه **﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾**[[2]](#footnote-2) و خلائف چند جور قرآن دارد این‌ها را باهم می‌بیند می‌گوید این خلافت و مثلاً این قواعد فقهی این‌ها با هم ما را به یک ضابطه‌ای می‌رساند

در عبادات ممکن است باز همین‌طور باشد مثلاً احکامی که در نماز و حج آمده است را می‌بیند از آن طرف هم اینکه انسان بنده خداست عبودیت یک مفهوم پایه‌ای است که در خود قران هم آمده است این‌ها با هم دیگر دست به دست هم می‌دهد و انسان را به یک ضوابطی و قواعدی می‌رساند

بنابراین غیر از برهان إنی محض یا لمی محض ما یک حالت‌های ترکیبی داریم که در یک رفت و برگشت آن قواعد و مفاهیم پایه‌ای که در قران و روایات آمده است و این احکام انسان می‌رسد به یک قواعدی و ضوابطی می‌رسد.

صلی الله علی محمد و آل محمد

1. - سوره ملک، آیه 3 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره بقره، آیه 30. [↑](#footnote-ref-2)